

## نقش آموزش‌های مهارت‌محور افسران پلیس در مدیریت انتظامی جرایم

زهرا سیدآبادی<sup>1</sup>، علی مشهدی<sup>2</sup>، برزو همتی<sup>3</sup>

تاریخ دریافت: 96/08/17

تاریخ پذیرش: 96/12/24

از صفحه 117 تا 136

فصلنامه علمی - تخصصی دانش انتظامی غرب استان تهران

سال چهارم، شماره شانزدهم، زمستان 1396

### چکیده

افزایش آگاهی پلیس نسبت به روند رو به رشد آمارهای جرم و جنایت، افزایش حجم کار پلیس، تلاش‌های مستمر برای حداکثر استفاده از توان مقابله با جرایم، واقعیت‌های جدید حاکم بر الگوهای جرم و نامنی، منجر به کشف حوزه‌های جدید دانش جرم و جنایت شده که پلیس با درونی سازی این دانش می‌تواند به دانش و رویکرد جدید دست یابد. نتیجه چنین فرآیندی، تغییر و بهبود در روش‌ها، فرآیندها و رویکردهای پلیسی است. با توجه به تولید روزافزون اطلاعات، آموزش حین خدمت، یکی از ضرورت‌های سازمان‌های دولتی و غیردولتی محسوب می‌شود که نیروی انتظامی نیز از این امر مستثنی نیست. در این راستا نوشتار حاضر با هدف بررسی نقش آموزش مهارت‌محور قوانین و مقررات به مقامات پلیس در مدیریت انتظامی جرم در فرماندهی انتظامی ویژه غرب استان تهران در سال 1396 انجام شده است. باید توجه داشت که یکی از دانش‌های جدید حاصل از این فرآیند، توجه و تمرکز به اولویت پیش‌گیری بر مقابله است. بر اساس این دانش در رویکرد پلیسی «جامعه‌محور» به‌منظور بهینه‌سازی شاخص احساس امنیت در بین مردم، برنامه‌ها و تدابیر سازمانی به سوی تدابیر پیش‌گیرانه گرایش دارد و سعی می‌شود با اتخاذ روش‌های علمی که هرکدام سهم خاصی از مشارکت مردمی را به همراه داشته باشد، دانش جدیدی به جامعه صادر شود که نتیجه آن، القا و توسعه فرهنگ قانون‌گرایی به جای قانون‌گریزی است. از آن‌جا که برای استفاده بهینه از منابع انسانی، مشارکت دادن آن‌ها در تصمیم‌گیری‌ها امری ضروری است، بنابراین باید این منابع، دانش کافی برای مسئله‌یابی، حل مسائل و اتخاذ تصمیم‌های مناسب را داشته باشند. در این مقاله سعی شده به بررسی اهمیت و ابعاد نقش آموزش‌های مهارت‌محور قوانین و مقررات به افسران پلیس در مدیریت انتظامی جرایم به‌منظور ارتقای کیفی و مدیریت انتظامی و پیش‌گیری از جرم، پرداخته شود.

**کلید واژه‌ها:** آموزش مهارت‌محور، مدیریت جرم، قوانین و مقررات، افسران پلیس.

1- دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه قم، (نویسنده مسئول). seyed.zmail@gmail.com

2- استادیار حقوق عمومی و بین‌الملل دانشگاه قم

3- دانش آموخته کارشناسی ارشد فرماندهی و مدیریت دانشگاه علوم انتظامی امین

## مقدمه و بیان مسئله

نظم و امنیت عمومی، ضمن آن که حق فردی تمام آحاد جامعه محسوب می‌شود، بستری برای اجرایی شدن برنامه‌های کلان آن، به‌ویژه در حوزه توسعه اجتماعی کشور است. اگر در یک مدار سه ضلعی (شکل‌گیری احساس و وجود نظم و امنیت مردم را به‌عنوان صاحبان اصلی این حق در یک ضلع و برهم زندگان آن را در ضلع دیگر قرار دهیم، در ضلع سوم، نهادهای برقرارکننده امنیت در جامعه (که شاخص‌ترین آن‌ها پلیس هستند) قرار دارند (قصری، 1388: 49). نقش دانش در تمامی اضلاع آن به‌گونه‌ای است که هم قانون‌شکنان از فرصت‌های حاصل از توانایی‌های دانش و زیرحوزه‌های آن، در راستای تحقق اهداف ضد انسانی و جنایت‌کارانه خویش بهره‌های مختلفی می‌برند، هم حافظان نظم و امنیت عمومی در راستای تحقق مأموریت‌های امنیت‌بخش و تأمین امنیت اجتماعی، از قابلیت‌ها و فرصت‌های حاصل از آن استفاده می‌کنند. از سوی دیگر نیز، مردم تحت تأثیر فراگیری تأثیرات دانش در جامعه، توانایی بیشتری برای مشارکت در تأمین و حفظ امنیت عمومی کسب می‌کنند. امنیت اجتماعی عبارت است از حالت فراغت همگانی از تهدیدی که کردار قانونی دولت یا دستگاهی یا فردی یا گروهی در تمام یا بخشی از جامعه پدید آورد (خومحمدی، 1384: 26). امنیت یک تولید جمعی است و حاصل تعامل و مشارکت آحاد جامعه است. سازمان‌های پلیسی جزئی از نظام دولتی یک جامعه با مأموریت تعریف شده «تأمین امنیت عمومی» هستند که در محیط‌هایی بسیار پیچیده با تنوع بالای تهدیدات امنیتی علیه عموم مردم فعالیت دارند. بدین دلیل این سازمان‌ها بخش اعظم تلاش‌های خود را به شناسایی عوامل زنجیره‌ای مؤثر در آمارهای جرم و جنایت در جامعه معطوف می‌دارند و پیوسته درصدد هستند تا حداکثر توانایی خود را برای مقابله با جرایم حفظ کنند، اما بنا به یکی از اصول جرم‌شناسی، الگوهای جرم و جنایت در گذر زمان و در سایه تغییرات در ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه تغییر می‌یابند، به دنبال این تغییرات سازمان‌های پلیس مجبور به تغییر رویه‌ها و سیاست‌های ضد جنایی خود هستند (افرازه، 1386: 63). به کلامی دیگر، سازمان‌های پلیسی در بعد کلان و بیرونی خود با کسب اطلاعات و دانش لازم از محیط خود، دانش «ضرورت اعمال تغییر در درون» را خلق کرده و با تولید و به‌کارگیری دانش‌های لازم و مرتبط با تغییرات لازم درونی،

دانش‌های جدید و به دنبال آن روش‌های جدید پلیسی خود را ابداع و اجرا می‌کنند. فرآیند یادشده، یک نوع روند دائمی و مستمر است، ولی در بعضی از شرایط اجتماعی، تغییرات سیاست‌های جنایی و پلیس، آن قدر کلان، فراگیر و با تأثیر گسترده است که به نوعی مرحله گذر برای چنین سازمانی تعبیر شده یا نوع خاصی از رویکردهای پلیس نامیده می‌شود. رویکرد «پلیس جامعه‌محور و رویکرد حل مسئله» از این جمله هستند. با توجه به این که امنیت در تمام لایه‌های آن، به‌عنوان یک نیاز فردی و اجتماعی، بستر توسعه کشور در تمامی ابعاد آن را فراهم می‌آورد، هرگونه رویکردی که در انجام اثربخش‌تر مأموریت‌های امنیتی سازمان پلیس مؤثر باشد، مورد اقبال و بهره‌مندی جامعه واقع می‌شود؛ بنابراین سازمان پلیس همواره به دنبال اتخاذ یک رویکرد مناسب است که موجب تأمین امنیت شده و سرمایه اجتماعی بین گروهی پلیس را نیز افزایش دهد (ترویانویچ، 1383: 54). به‌طور کلی می‌توان این‌گونه بیان کرد که دوران اداره پلیسی در جهان شامل دوره‌های سیاسی، اصلاحات و دوره‌های پلیسی جامعه‌محور هستند و پلیس با گذر از دوره‌های سیاسی و اصلاحات، دوران جدید جامعه‌محوری را آغاز کرد. یکی از مهم‌ترین ملاک‌های اثربخشی و کارآیی پلیس جامعه‌محور، توانایی آن در افزایش احساس امنیت شهروندان است. تغییر رویکرد در برقراری امنیت داخلی از اتکا بر ابزار و روش سخت‌افزارانه به «جامعه‌محوری» و توسعه فرهنگ «خو امنیتی» و «خودانضباطی»، نیازمند تأمین زیرساخت‌های یک نهضت نرم‌افزارانه است که دستیابی به آن از مسیر توسعه و نهادینه شدن مدیریت بر دانش و ایجاد یک شبکه وسیع تحقیقاتی هدفمند امکان‌پذیر می‌شود. این مدیریت دانش در ادبیات سازمان‌های پلیسی، از ضرورت سنجش وضع موجود الگوهای جرم‌گرایی و فعالیت‌های جنایتکارانه افراد و گروه‌های برهم زنده نظم و امنیت عمومی و هم‌چنین سنجش امکان استفاده از بسترهای دانشوری در افزایش تعامل با مردم و ارائه بهتر و اثربخش‌تر خدمات امنیتی شروع می‌شود (احمدوند، 1385: 121). در مجموع، حرکت پلیس به سمت اتخاذ رویکرد جامعه‌محوری با هدف پیش‌گیری از جرم، به‌جای تمرکز صرف بر مقابله با آن، در بستر دانش‌محوری پلیس شکل گرفت؛ بدین صورت که کارشناسان پلیس در پی کسب تجربیات و بر پایه دانش ضمنی خود و برخورد با مسائل و معضلات گوناگون مرتبط با امنیت جامعه دریافتند که شناخت علل وقوع جرایم و به دنبال آن شناخت

خود جرایم و نحوه پیش‌گیری از وقوع آنها، در کاهش آمار جرایم از یک طرف و افزایش امنیت در جامعه از طرف دیگر، به‌مراتب کارآمدتر از برخورد واکنشی است. این نتیجه، آنها را به سمت شناخت الگوهای جرم و جنایت و عوامل بروز ناامنی در جامعه سوق داده و دریچه‌های جدیدی از دانش پلیسی را در برابر آنان گشوده است؛ بنابراین اتخاذ رویکردهای جدید و از همه مهم‌تر، رویکرد جامعه‌محوری، به اصل «پیش‌گیری از جرم با تأکید بر مشارکت اجتماعی» وابسته است و بهره‌گیری از مدیریت دانش در این رویکرد، امری ضروری و تضمین‌کننده بقای آن است.

### پیشینه پژوهش

بهشتی (1385) در پژوهشی با عنوان «بررسی میزان اثربخشی آموزش‌های ضمن خدمت سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان تهران از دیدگاه شرکت‌کنندگان در این دوره‌ها در سال 1382» به نتایج زیر دست یافته است؛ آموزش‌های ضمن خدمت شغلی موجب افزایش مهارت شغلی در کارکنان شده و نیز موجب افزایش دانش شغلی کارکنان می‌شود (زمانی، 1384: 47).

رهیده (1387) در مورد ارزشیابی عملکرد دوره‌های تخصصی - تکمیلی در سال 1385 و 1386 در دانشکده اداری و پشتیبانی دانشگاه علوم انتظامی پژوهشی انجام داده‌اند که در پایان مشخص شد دوره‌های آموزشی تخصصی - تکمیلی سبب افزایش دانش مورد نیاز کارکنان در شغل‌شان، ایجاد نگرش مثبت کارکنان نسبت به شغل‌شان و نیز باعث ارتقای مهارت‌های مورد نیاز کارکنان می‌شود.

زیودار (1388) در مورد بررسی میزان انطباق دوره‌های تخصصی - تکمیلی درجه‌داران (رسته انتظامی) با مأموریت‌های تخصصی پلیس فرودگاه (با تأکید بر استانداردهای ایکائو) پژوهشی را انجام داده‌اند که در پایان مشخص شد بین آموزش‌های تخصصی - تکمیلی و ارتقای سطح آگاهی، دانش و مهارت کارکنان پلیس فرودگاه در اجرای مأموریت‌ها رابطه معناداری وجود داشته و بین روش‌های آموزشی و تدریس دوره تخصصی - تکمیلی درجه‌داران رسته انتظامی و مأموریت‌های تخصصی پلیس فرودگاه رابطه معناداری وجود دارد.

چراغی (1389) در مورد ارزشیابی اثربخشی دوره‌های آموزشی تخصصی-تکمیلی ترفیعاتی کارکنان فرماندهی انتظامی تهران بزرگ پژوهشی انجام داده‌اند که در پایان مشخص شد از دیدگاه کارکنان میزان اثربخشی دوره‌های تخصصی - تکمیلی ترفیعاتی در حیطه مهارت در حد متوسط و در حیطه‌های دانش، رفتار، بهره‌وری و اهداف اجرای دوره، بالاتر از حد متوسط است.

موسوی (1394) نیز پژوهشی با عنوان «ارزیابی اثربخشی دوره تخصصی - تکمیلی - ترفیعاتی نیل به استوار دومی در مجتمع آموزشی فرماندهی انتظامی ویژه غرب استان تهران»، انجام داده است. در این پژوهش ارزشیابی فراگیران شرکت‌کننده در ادوار انجام داده است.

اسپریتزر (1995)، با پژوهش بر توانمندسازی کارکنان بدین نتیجه دست یافت که بین اعتماد به نفس کارکنان، دسترسی به اطلاعات در مورد رسالت سازمان، عملکرد کاری کارکنان و رفتارهای خلاق و نوآورانه با توانمندسازی روان‌شناختی ارتباط مثبت و معناداری دارد (کینگ، 2005: 68).

وینکسون (1997)، در نتایج تحقیقات خود مبنی بر بررسی نظام آموزشی شغلی کارکنان و تأثیر آن بر افزایش کارایی بدین مطلب اشاره می‌کند که هفتاد درصد مدیران و شصت و پنج درصد کارکنان بیان کردند که آموزش‌های شغلی موجب افزایش دانش و ارتقای اطلاعات شغلی و افزایش توانایی‌های شغلی شده است (داویس، 2003: 49).

## مبانی نظری پژوهش

### 1- پیش‌گیری کیفری در مدیریت انتظامی جرایم

پیش‌گیری کیفری که بر مبنای ارائه تعریفی عام از پیش‌گیری می‌تواند یکی از انواع پیش‌گیری به حساب آید (دیدگاهی که کمتر مورد پذیرش جرم‌شناسان است)، از طریق وضع کیفر و ویژگی‌های اربابی و بازدارنده آن می‌کوشد تا از یک سو، نسبت به مجرم امکان تکرار جرم را از بین ببرد و از سوی دیگر با تأکید بر ویژگی‌های اربابی کیفر، انگیزه مجرمان احتمالی را برای ارتکاب جرم کاهش دهد. بازدارندگی یکی از مفاهیم اساسی در پیش‌گیری کیفری است؛ به این معنی که مجازات‌ها باید به گونه‌ای وضع

شوند که مانع ارتکاب مجدد جرم شوند. گذشته از مفاهیم کلیدی مجازات و بازدارندگی، فوریت و دقت شناسایی، تعقیب و دستگیری نیز از اهمیت بسیاری در پیش‌گیری کیفری برخوردار است. در واقع به مانند پیش‌گیری موقعیت‌مدار در این‌جا نیز فرض اصلی، حسابگر بودن مجرم است. تعقیب و مجازات باید به‌گونه‌ای باشد که مجرم حسابگر را به این نتیجه برساند که منافع حاصل از ارتکاب جرم، به دلیل شدت، دقت و سرعت واکنش کیفری، از ریسک بسیار بالایی برخوردار است. سنگینی کفه ریسک، می‌تواند عاملی باشد برای چشم‌پوشی مجرم از منافع احتمالی کفه دیگر ترازو (نوروزی، 1390: 32).

## 2- پیش‌گیری موقعیت‌مدار

برنامه‌ها و اقدامات پیش‌گیرانه را (از منظر پیش‌گیری به معنای خاص) به‌طور کلی می‌توان به دو بخش تقسیم کرد: پیش‌گیری موقعیت‌مدار (یا وضعی) و پیش‌گیری اجتماعی. هر دو قسم پیش‌گیری می‌توانند در هر سه سطح پیش گفته (نخستین، دومین و سومین) استقرار یابد. پیش‌گیری وضعی (موقعیت‌مدار)، به معنای ایجاد تغییرات در اوضاع و احوال خاصی است که انسان متعارف در آن ممکن است مرتکب جرم شود (نجفی ابرنآبادی، 1387: 1242). منظور از انسان متعارف در تعریف فوق، آن است که انسان به‌طور معمول موجودی حسابگر است (روحانی، 1388: 41)؛ این موجود حسابگر زمانی که در موقعیت مناسب ارتکاب جرم قرار می‌گیرد، دست به حسابگری زده و سود و زیان حاصل از ارتکاب جرم را در ذهن خود ارزیابی می‌کند؛ بنابراین هرگونه تغییرات ایجادشده در موقعیت جرم‌زا که بتواند محاسبات این موجود حسابگر را به سمت عدم ارتکاب جرم پیش ببرد، پیش‌گیری وضعی به حساب می‌آید (نوروزی، بارانی و سرکشیکیان، 1390: 33). پیش‌گیری موقعیت‌مدار با تسلط بر محیط و شرایط پیرامون جرم (وضعیت مشرف بر جرم) درصدد آن است تا از طریق کاهش جذابیت آماج و جاذبه‌زدایی از آن و نیز افزودن خطر شناسایی و احتمال دست‌گیری بزه‌کار (و به‌طور کلی نامناسب جلوه دادن وضعیت پیش‌جنایی آمار جرایم را مهار کند (نجفی ابرنآبادی، 1380: 140). کاهش موقعیت از منظر پیش‌گیری موقعیت‌مدار می‌تواند به یکی از سه شکل زیر باشد (کرافورد، 2007: 873):

- گسترش و افزایش اقدامات لازم برای ارتکاب جرم با دشوار کردن آماج جرم (به‌گونه‌ای که مجرمان برای ارتکاب جرم مجبور باشند هزینه و دشواری بیشتری متحمل شوند)؛

- افزایش خطر قابل درک برای مجرم در مورد احتمال بالای دست‌گیری و مجازات؛

- کاهش منافع قابل پیش‌بینی جرم.

### 3- مدیریت انتظامی جرایم با پیش‌گیری اجتماعی

پیش‌گیری اجتماعی بر خلاف پیش‌گیری وضعی، که بر موقعیت جرم‌زا تمرکز دارد، به مجرم احتمالی و محیط پیرامونی او می‌پردازد. پیش‌گیری اجتماعی خود به دو بخش رشدمدار و جمعی تقسیم می‌شود. در پیش‌گیری اجتماعی، تقویت سازوکارهای خودکنترلی (یا موانع از یک سو، و آموختن مهارت‌های اجتماعی برای تعامل با دیگران از سوی دیگر، به نوجوانان آموزش داده می‌شود (نجفی ابرندآبادی، 1387: 1238)؛ این نوع پیش‌گیری، با هدف قرار دادن اصلاح فرد و جامعه، منجر به جلوگیری از جرم به صورت پایدار و همیشگی می‌شود. این نوع از پیش‌گیری، برخلاف پیش‌گیری وضعی (که بزه‌دیده‌مدار و سیل‌مدار است)، مجرم‌مدار و فردمدار است (همان: 1261). فرد در ارتباط با محیط‌های پیرامونی خود متشکل از خانواده، مدرسه، گروه‌های همسالان، ساختارهای محلی و... فرآیند جامعه‌پذیری را طی می‌کند. در صورتی که هر یک از این محیط‌ها، کارکرد خود را به‌درستی انجام ندهد یا نقش سازنده آن تبدیل به نقشی مخرب و منحرفانه شود، مداخله پیش‌گیرانه اجتماعی می‌تواند نقش‌آفرینی کرده و دوران «قابل ترمیم» زودهنگام و «انحراف» سازوکارهای مخرب را ترمیم کند. بدین ترتیب کودکی به جرم استقرار یافته و (در بعضی مواقع) درونی شده دوران بزرگسالی تبدیل نمی‌شود (نوروزی، بارانی و سرکشکیان، 1390: 64)

### 4- پیش‌گیری رشدمدار

برنامه‌های رشدمدار درصدد شناسایی عوامل خطر بزه‌کاری هستند تا با شناسایی آنها مانع شوند تا این عوامل در کودکان و نوجوانان رشد کنند و آنان را مرتکب انحراف و سپس جرم کنند. پیش‌گیری رشدمدار بیش از آن‌که در پی ارائه آموزش‌های کلی و عمومی در مورد پیش‌گیری از جرم به مردم باشد، بر گروه‌هایی از جوانان که عوامل

خطر بزه کاری در آنها شناسایی شده و در معرض خطر ارتکاب جرم هستند، تمرکز دارد (پیشگیری دومین به جای پیشگیری نخستین). پیشگیری رشدمدار درصدد شناسایی موارد زیر است:

1. عوامل خطری که می‌توانند نشانه روی آوردن به بزه کاری در آینده باشند؛

2. عوامل حمایتی که می‌توانند احتمال ارتکاب جرم را کاهش دهند؛

3. عوامل قطع‌کننده که می‌توانند نوجوانان یا جوانان را از استمرار فعالیت منحرفانه یا مجرمانه منصرف کند (ترک تکرار جرم) (کرافورد، 2007: 883). در نظام‌های توسعه‌یافته کنترل جرم، در یک فرآیند زمانی درازمدت، مطالعاتی تحت عنوان دوره‌های جنایی بر روی نوجوانان منحرف یا جوانان بزه‌کار صورت می‌گیرد که در آنها شیوه زندگی این افراد در طول سال‌های پس از ارتکاب بزه یا انحراف مورد مطالعه قرار می‌گیرد. شناسایی عوامل خطر و حمایتی در دوره‌های جنایی، امکان مداخله زودهنگام نسبت به کودکان و نوجوانانِ منحرف (یا در معرض خطر انحراف) را فراهم می‌کند تا برای جلوگیری از ارتکاب جرم آنان، از الگوهای پیشگیری اجتماعی استفاده شود (نوروزی، بارانی و سرکشیکیان، 1390: 35)

## 5- پیش‌گیری جامعه‌مدار

مرز میان این نوع با پیش‌گیری رشدمدار کاملاً محسوس و مشخص نیست. از نظر برخی (نجفی ابرندآبادی، 1387: 1236) پیش‌گیری رشدمدار همان پیش‌گیری جامعه‌مدار است که ناظر به قشر خاصی (اطفال) است؛ این در حالی است که پیش‌گیری اجتماعی تمام افراد را مدنظر قرار می‌دهد. به‌طور کلی می‌توان گفت منظور از پیش‌گیری جامعه‌مدار، خنثی کردن عوامل جرم‌زایی است که در محیط به وجود آمده‌اند (همان: 1263).

## 6- پیش‌گیری انتظامی از جرم

پلیس یکی از اجزای نظام عدالت کیفری است که در پیش‌گیری از جرم، امکان مداخله کیفری و غیرکیفری را دارد. در مداخله کیفری، پلیس با سرعت و دقت در فرآیند تعقیب و دست‌گیری که خود یکی از عوامل بازدارنده نسبت به ارتکاب مجدد بزه است فعالیت پیش‌گیرانه خود را انجام می‌دهد. جنبه بازدارنده و ارعایی مداخله کیفری



پلیس از سویی بزه‌کاران را بلافاصله پس از ارتکاب جرم با نظام نیرومند تعقیب و دستگیری مواجه می‌سازد و بنابراین یکی از ابعاد بازدارندگی برای تکرار جرم را فراهم می‌کند و از سوی دیگر، با بالا بردن احتمال دست‌گیری و افزایش خطر ارتکاب جرم، قصد و تمایل مجرمان احتمالی را برای ارتکاب آن بزه کاهش می‌دهد (نوروزی، بارانی و سرکشیکیان، 1390: 38). در پیش‌گیری غیرکیفری نیز پلیس از طریق مداخله و طراحی برنامه‌های پیش‌گیرانه از طریق نظارت بر مجرمان سابقه‌دار، گشت‌های انتظامی، نظارت بر مناطق جرم‌زا (شناسایی نقاط آلوده و جرم‌خیز)، نصب دوربین‌های مداربسته در معابر عمومی و جرم‌خیز و بسیاری دیگر از برنامه‌های پیش‌گیرانه، پیش از ارتکاب جرم، آن را به کنترل خود در می‌آورد. به‌طور کلی نقطه تمرکز مداخله‌های پیش‌گیرانه را می‌توان یکی از سه منظر زیر قرار داد:

موقعیت جرم‌زا، بزه‌دیده، بزه‌کار: هر یک از این سه می‌تواند نقطه اجرای برنامه‌های پیش‌گیرانه در یکی از سه سطح زیر باشد: پیش‌گیری مرحله اول (پیش‌گیری عمومی و آگاهی بخشی جامعه نسبت به جرم)، پیش‌گیری مرحله دوم (تمرکز بر افراد در معرض بزه)، پیش‌گیری مرحله سوم (پیش‌گیری از تکرار بزه) (فرجیها، 1389: 95). تجربه کشورهای توسعه‌یافته نشان می‌دهد که پلیس امکان مداخله در تمام سطوح فوق را دارد، اما متناسب با سطح و نقطه تمرکز انتخابی حضور پلیس نسبت به سایر نهادهای مدنی یا رسمی، کم‌رنگ یا پررنگ‌تر می‌شود؛ به‌عنوان مثال در پیش‌گیری مرحله اول، نقش آموزش پررنگ‌تر است و پلیس، به‌عنوان یک بازوی اجرایی، در کنار نهادهای آموزشی، نقشی مکمل ایفا می‌کند؛ حال آن‌که در برنامه‌های پیش‌گیری مرحله سوم (نظیر نظارت بر مجرمان سابقه‌دار) پلیس عهده‌دار نقش اصلی است و سایر نهادها نقش مکمل دارند. به‌طور کلی می‌توان ادعا کرد که هرچه از مرحله اول به سمت مرحله سوم می‌رویم، به تدریج نقش پلیس و برنامه‌های پیش‌گیرانه پلیسی پررنگ‌تر می‌شود (نوروزی، بارانی و سرکشیکیان، 1390: 45).

### روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش و ماهیت کیفی - اکتشافی از نوع مطالعه موردی در فرماندهی انتظامی ویژه غرب استان تهران است. جامعه آماری

پژوهش حاضر عبارتست از کارکنان فرماندهی انتظامی ویژه غرب استان تهران در سال 1396 که تعداد 250 نفر بوده و برای انتخاب حجم نمونه در بین افراد جامعه آماری از فرمول عمومی از فرمول کوکران استفاده شد. بر طبق فرمول کوکران تعداد 130 نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. پرسشنامه به صورت تصادفی ساده بین آنان توزیع شد. برای گردآوری اطلاعات در مبانی نظری از فیش برداری در مطالعات اسنادی استفاده شده است. برای پاسخ به سؤالات و فرضیه‌ها از پرسشنامه محقق ساخته استفاده و برای تعیین روایی پرسشنامه نظر اساتید فن و خبرگانی که در زمینه‌های مختلف جرم‌شناختی صاحب نظر هستند استفاده شد از نظر صوری و محتوایی تعداد 25 سؤال مورد تأیید قرار گرفته است. ضریب پایایی سؤال‌های پرسشنامه با استفاده از نرم‌افزار آماری spss و روش آلفای کرونباخ محاسبه شد که ضریب پایایی کل پرسشنامه برابر به دست آمد. در نتیجه پرسشنامه از مطلوبیت قابل قبولی برخوردار بود.

### یافته‌های پژوهش

در این قسمت یافته‌های آماری پژوهش را در دو مبحث آمارهای توصیفی و آمارهای تحلیلی مورد بررسی قرار می‌دهیم:

#### الف - آمارهای توصیفی

بارزترین توصیف جمعیت‌شناسی پاسخ‌دهندگان که بین محدوده سنی 30 تا 35 سال 55 نفر، محدوده سنی 36 تا 38 سال 36 نفر، 39 تا 40 سال 18 نفر، 41 تا 43 سال 11 نفر، 44 تا 46 سال 10 نفر طبقه‌بندی شدند، بیشترین مقدار طبق آمار مربوط به سن 30 تا 35 سال که دارای فراوانی 55 و کمترین آمار مربوط سن بالای 44 سال که هر کدام دارای فراوانی 10 بودند. از این تعداد 35 نفر فوق دیپلم، 59 نفر کارشناس و 36 نفر کارشناس ارشد بودند که ملاحظه می‌شود بیشترین مقدار طبق آمار مربوط به میزان تحصیلات کارشناسی که دارای فراوانی 59 و کمترین آمار مربوط به میزان فوق دیپلم که دارای فراوانی 35 نفر بودند. از لحاظ سابقه کار پاسخ‌دهندگان 73 نفر سابقه تا 12 سال و 40 نفر سابقه 12 تا 15 سال و 17 نفر سابقه 15 تا 25 سال که بیشترین مقدار مربوط به تا 12 سال سابقه کار که دارای فراوانی 73 و کمترین آمار مربوط به

سابقه 15 تا 25 سال که دارای فراوانی 17 بودند. از این تعداد 83 نفر متأهل و 17 نفر مجرد بودند که بیشترین مقدار مربوط به افراد متأهل که دارای فراوانی 83 و کمترین آمار مربوط به افراد مجرد که دارای فراوانی 17 بود.

جدول شماره 1: اطلاعات کلی شاخص‌های آماری متغیرهای پژوهش شامل شاخص‌های گرایش مرکزی، شاخص‌های گرایش پراکندگی

متغیر	شاخص‌های گرایش مرکزی			شاخص‌های گرایش پراکندگی	
	نما	میانه	میانگین	دامنه تغییرات	واریانس
آموزش مهارت محور مقررات	3/5	3/25	3/2	2	0/088
مدیریت انتظامی جرم	2/5	3/33	2/5	1	0/067

### ب - آمارهای تحلیلی

قبل از تحلیل داده‌ها نرمال بودن داده‌های هر متغیر را با استفاده از آزمون کولموگروف اسمیرنوف مورد سنجش قرار می‌دهیم. نتایج به صورت زیر می‌باشند:

جدول شماره 2: نتایج آزمون کولموگروف اسمیرنوف

متغیر	تعداد	آمار کولموگروف اسمیرنوف	مقدار معناداری
آموزش مهارت محور مقررات	130	1/669	0/226
مدیریت انتظامی جرم	130	1/553	0/073

همان‌طور که ملاحظه می‌شود مقادیر معناداری برای هر دو متغیر فنون خنثی‌سازی، فشار ساختاری، بیشتر از 0/05 می‌باشند؛ بنابراین می‌توان گفت فرض نرمال بودن برقرار می‌باشد؛ از این رو برای بررسی فرضیه‌ها از آزمون پارامتری t استفاده می‌شود.

**سؤال اصلی:** نقش آموزش‌های مهارت‌محور مقررات به افسران پلیس در مدیریت جرم می‌باشد که دو سؤال فرعی در این راستا مطرح می‌شود، از چه اولییتی برخوردار می‌باشند؟

برای بررسی این رابطه بین آموزش‌های مهارت‌محور مقررات به افسران پلیس و در مدیریت جرم از آزمون t استفاده می‌شود و میانگین سؤالات مربوط به آموزش‌های مهارت‌محور مقررات به افسران پلیس با مقدار 2 (متوسط) سنجیده می‌شود. نتایج در جداول زیر آورده شده است:

جدول شماره 3: آمارهای توصیفی مربوط به آموزش‌های مهارت‌محور مقررات به افسران پلیس در

مدیریت جرم

متغیرهایی که وارد معادله شده‌اند					
Sig	مقدار t	ضرایب استاندارد	ضرایب غیر استاندارد	متغیرها	
		Beta	خطای استاندارد		B
0/000	7/298	0/673	0/522	3/66	مدیریت انتظامی جرم

آمارهای موجود در جدول شماره سه گویای این واقعیت است که متغیر آموزش مهارت‌محور مقررات به افسران پلیس با بتای 0/673 در مدیریت انتظامی جرم تأثیر می‌گذارد، جهت تأثیر این متغیر نیز مثبت و مستقیم است و بیانگر این مطلب است که با آموزش قوانین و مقررات به مقامات پلیس میزان مدیریت جرم افزایش پیدا می‌کند.

**سؤال فرعی اول:** رابطه بین آموزش مهارت‌محور مقررات به افسران پلیس و کنترل مؤثر و کارآمد جرایم چگونه است؟

**فرضیه صفر:** بین آموزش‌های مهارت‌محور مقررات به افسران پلیس و کنترل مؤثر و کارآمد جرایم رابطه معناداری وجود ندارد.  $\mu < 2$

**فرضیه یک:** بین آموزش‌های مهارت‌محور مقررات به افسران پلیس و کنترل مؤثر و کارآمد جرایم رابطه معناداری وجود دارد.  $\mu > 2$ .

برای بررسی این رابطه بین آموزش‌های مهارت‌محور مقررات به افسران پلیس و کنترل مؤثر و کارآمد جرایم از آزمون t استفاده می‌شود و میانگین سؤالات مربوط به کنترل مؤثر و کارآمد جرایم با مقدار 2 (متوسط) سنجیده می‌شود. نتایج در جداول زیر آورده شده است:

جدول شماره 4: آمارهای توصیفی مربوط به آموزش‌های مهارت‌محور مقررات به افسران پلیس و کنترل

مؤثر و کارآمد جرایم

متغیرهایی که وارد معادله شده‌اند					
Sig	مقدار t	ضرایب استاندارد	ضرایب غیر استاندارد	متغیرها	
		Beta	خطای استاندارد		B
0/000	8/298	0/578	0/497	4/128	کنترل مؤثر و کارآمد جرایم

آمارهای موجود در جدول شماره چهار گویای این واقعیت است که متغیر آموزش‌های مهارت‌محور مقررات به افسران پلیس با بتای 0/578 در کنترل مؤثر و کارآمد جرایم تأثیر می‌گذارد، جهت تأثیر این متغیر نیز مثبت و مستقیم است و بیانگر این مطلب است که با آموزش‌های مهارت‌محور مقررات به افسران پلیس میزان کنترل مؤثر و کارآمد جرایم افزایش پیدا می‌کند.

**سؤال فرعی دوم:** رابطه بین آموزش‌های مهارت‌محور مقررات به افسران پلیس در کاهش ترس از جنایت (امنیت روانی جامعه) چگونه است؟

**فرضیه صفر:** بین آموزش‌های مهارت‌محور مقررات به افسران پلیس در کاهش ترس از جنایت (امنیت روانی جامعه) رابطه معناداری وجود ندارد.  $\mu < 2$

**فرضیه یک:** آموزش‌های مهارت‌محور مقررات به افسران پلیس در کاهش ترس از جنایت (امنیت روانی جامعه) رابطه معناداری وجود دارد.  $\mu > 2$ .

برای بررسی این رابطه بین آموزش‌های مهارت‌محور مقررات به افسران پلیس در کاهش ترس از جنایت (امنیت روانی جامعه) از آزمون  $t$  استفاده می‌شود و میانگین سؤالات مربوط به کاهش ترس از جنایت (امنیت روانی جامعه) با مقدار 2 (متوسط) سنجیده می‌شود. نتایج در جداول زیر آورده شده است:

جدول شماره 5: آمارهای توصیفی مربوط به آموزش آموزش‌های مهارت‌محور مقررات به افسران پلیس در کاهش ترس از جنایت (امنیت روانی جامعه)

متغیرهایی که وارد معادله شده‌اند				
متغیرها	ضرایب غیر استاندارد		ضرایب استاندارد	
	B	خطای استاندارد	Beta	مقدار t
(کاهش ترس از جنایت) امنیت روانی جامعه	10/172	1/157	0/566	8/795
				0/000

آمارهای موجود در جدول شماره پنج گویای این واقعیت است که متغیر آموزش‌های مهارت‌محور مقررات به افسران پلیس با بتای 0/566 در کاهش (ترس از جنایت) امنیت روانی جامعه تأثیر می‌گذارد، جهت تأثیر این متغیر نیز مثبت و مستقیم است و بیانگر این مطلب است که با آموزش‌های مهارت‌محور مقررات به افسران پلیس میزان کاهش ترس از جنایت (امنیت روانی جامعه) افزایش پیدا می‌کند.

**سؤال فرعی سوم:** رابطه بین آموزش‌های مهارت‌محور مقررات به افسران پلیس در تغییر شرایط و محیط جرم‌خیز چگونه است؟

**فرضیه صفر:** بین آموزش‌های مهارت‌محور مقررات به افسران پلیس در تغییر شرایط و محیط جرم‌خیز رابطه معناداری وجود ندارد.  $\mu < 2$

**فرضیه یک:** بین تکنیک‌های آموزش‌های مهارت‌محور مقررات به افسران پلیس در تغییر شرایط و محیط جرم‌خیز رابطه معناداری وجود دارد.  $\mu > 2$

برای بررسی این رابطه بین آموزش‌های مهارت‌محور مقررات به افسران پلیس و تغییر شرایط و محیط جرم‌خیز از آزمون t استفاده می‌شود و میانگین سوالات مربوط به تغییر شرایط و محیط جرم‌خیز با مقدار 2 (متوسط) سنجیده می‌شود. نتایج در جداول زیر آورده شده است:

جدول شماره 6: آمارهای توصیفی مربوط به آموزش‌های مهارت‌محور مقررات به افسران پلیس در

تغییر شرایط و محیط جرم‌خیز

متغیرهایی که وارد معادله شده‌اند				
Sig	مقدار t	ضرایب استاندارد	ضرایب غیر استاندارد	متغیرها
		Beta	B خطای استاندارد	
0/000	10/544	0/659	0/741	7/808
تغییر شرایط و محیط جرم‌خیز				

آماره‌های موجود در جدول شماره شش گویای این واقعیت است که متغیر آموزش‌های مهارت‌محور مقررات به افسران پلیس با بتای 0/659 در تغییر شرایط و محیط جرم‌خیز تأثیر می‌گذارد، جهت تأثیر این متغیر نیز مثبت و مستقیم است و بیانگر این مطلب است که با آموزش‌های مهارت‌محور مقررات به افسران پلیس میزان شرایط و محیط جرم‌خیز کاهش پیدا می‌کند.

### بحث و نتیجه‌گیری

با استقرار نظام پلیسی مبتنی بر مدیریت دانش، افرادی که دانش‌مدار هستند بیشتر نمایان می‌شوند و فرصت برای بروز افراد بی‌بهره از علم و دانش، کمتر می‌شود. در نتیجه، فرهنگ سازمانی و ارزش‌ها، دانش‌مدار شده و ارزش علم در سازمان پلیس نمایان

می‌شود. این امر، خود منجر به همکاری بهتر مردم با سازمان پلیس جامعه‌محور می‌شود؛ چراکه مردم جامعه، افراد پلیس را انسان‌هایی علمی و دانش‌مدار می‌پندارند. هم‌چنین در چنین ساختاری، خلاقیت و نوآوری مورد نیاز پلیس جامعه‌محور توسط افراد پلیس و با مشارکت مردم جامعه، ظهور بیشتری پیدا می‌کند. بدون شک در آینده، قدرت در اختیار افرادی است که دارای علم و دانش بیشتری باشند؛ بنابراین نظام پلیس مبتنی بر مدیریت دانش، ساختار سازمان پلیس جامعه‌محوری را که به دنبال استفاده از نیروهای مردمی در اجرای وظایف پلیسی است، شکل می‌دهد. به عبارت دیگر، از آن‌جا که ساختار هر سازمانی باید با مأموریت آن سازمان و ماهیت کاری که اعضای آن باید انجام دهند، تناسب داشته باشند، برای حاکمیت اختیارات و خلاقیتی که لازمه پلیس جامعه‌محور است، حذف سطوح مدیریت و تلاش برای سرعت دادن به روند تصمیم‌گیری و اجرا برای این رویکرد پلیس، زمانی مفید خواهد بود که مدیریت دانش در این سازمان حاکم شود. امکان رصد کردن جامعه، آینده‌نگری و پیش‌گیری از وقوع جرم نیز، تنها در سایه داشتن اطلاعات درست و تولید دانش از طریق تحلیل صحیح آن اطلاعات امکان‌پذیر است. هم‌چنین پلیس جامعه‌محور زمانی می‌تواند با برقراری ارتباط صمیمی با جامعه و از طریق مشارکت آن‌ها به مسئله‌یابی و حل مسائل اقدام و موجبات رضایت شهروندان را فراهم کرده و در پیش‌گیری از وقوع جرایم و افزایش احساس امنیت در اجتماع به موفقیت‌های چشم‌گیری دست یابد که از نظر منابع انسانی، افراد دانش‌مدار را تربیت کند و سطح دانش نیروهای انسانی خود را ارتقا دهد و آن‌ها را در همه ابعاد توانمند کند. به علاوه، از آن‌جا که برای استفاده بهینه از منابع انسانی، مشارکت دادن آن‌ها در تصمیم‌گیری‌ها امری ضروری است، بنابراین باید این منابع، دانش کافی برای مسئله‌یابی، حل مسائل و اتخاذ تصمیم‌های مناسب را داشته باشند. به عبارتی شیوه مدیریت مشارکتی، تفویض اختیار به مدیران اجرایی، عدم تمرکز سازمانی، کاهش قوانین و مقررات مکتوب و برقراری ارتباطات همه‌جانبه در سازمان پلیس جامعه‌محور در صورتی تحقق می‌یابد که تمامی ابعاد مدیریت دانش در آن سازمان استقرار یابد. چنین راهبردی است که در نهایت منجر به تحقق سازمانی کارآمد و اثربخش می‌شود که قادر است آینده جامعه را تحت کنترل درآورده و چشم‌اندازی روشن برای آن، در حوزه امنیت عمومی ترسیم کند.

## پیشنهادهای کاربردی

پیشنهادهای این پژوهش به شرح ذیل برای بهبود و ارتقای وضعیت دانشی افسران پلیس ارائه می‌شود.

1- مستندسازی تجربیات کارکنان ستادی و صفی پلیس (دانش ضمنی) از جمله حوزه‌های مهم تولید دانش است؛ به‌ویژه کارکنان صفی که امور اجرایی پلیس را بر عهده داشته و بیشتر با مردم در تماس هستند، دارای مهارت‌های شخصی و دانش‌های ناآشکاری هستند که عموماً از برخورد با مجرمان و نیز جرایم گوناگون کسب کرده‌اند (منابع ارزشمند نانوشته).

2- ایجاد تغییر در هر سازمان و حرفه‌ای مستلزم تربیت و آموزش است. بررسی موشکافانه نشان‌دهنده این است که حتی افرادی که چنین آموزشی را دیده‌اند نیز، باید آمادگی کسب مهارت‌ها و فنون جدید را داشته باشند تا بتوانند با راهبرد پلیس همراهی کنند. از این گذشته افرادی که با امر آموزش نیروی پلیس سر و کار دارند نیز لازم است با روش‌های آموزش و یادگیری اثربخش و کاربردی، آگاهی و دانش کافی داشته باشند تا کارآموزان از آنها اطلاعات و فنون انجام وظیفه را به بهترین شیوه یاد بگیرند.

3- استفاده و ارتقای مداوم سامانه‌های اطلاعات جغرافیایی و شناخت ساعات پیک جرم و تناسب جرایم با این متغیرها، که برای کلانتری‌ها این امکان را فراهم می‌کند تا با پردازش و تحلیل اطلاعات این سامانه، نقاط جرم خیز محدوده استحفاظی خود را به‌صورت روزانه تعیین کنند و با اتخاذ روش‌های مناسب، در پیش‌گیری از وقوع جرم در آن مناطق مؤثر واقع شوند.

4- امکان به‌کارگیری مشارکت مردمی از طریق ثبت پیشنهادات، انتقادات و شکایات مردمی از نظام پلیس و مأموران خاطی و امکان تحلیل بروز این موارد به‌منظور ارتقای سطح کیفی آموزش‌ها جهت کاهش چشم‌گیر خطاها.

5- افزایش سطح دانش و آگاهی مردم از طریق ارائه برنامه‌های آگاهی‌بخش رسانه‌ای در زمینه‌های مختلف مربوط به شناخت جرم و علل آن و نحوه پیش‌گیری از وقوع آن.



- 6- ادارات مجری قانون در بسیاری از جوامع مدرن، برای کمک به تحلیل اطلاعات مربوط به جرم، به فناوری‌های مدیریت دانش جدید رو آورده‌اند. استفاده از چنین فناوری‌هایی می‌تواند از طریق کمک به تحقیقات پرونده‌های جنایی یا حتی پیش‌بینی عمل مجرمانه، به‌عنوان ابزاری هوشمند در جهت مبارزه با جرم و جنایت قرار گیرد.
- 7- راه‌اندازی مجموعه مفصلی از انواع سامانه‌های اطلاعاتی و پایگاه داده در انجام مأموریت‌های پلیسی نقش به‌سزایی ایفا می‌کنند.
- 8- شناسایی کارکنان بازنشسته علاقه‌مند به مباحث آموزشی و تکمیل اطلاعات تجربی آنها با امکانات روز دنیا جهت آموزش‌های کاربردی ضمن خدمت به کارکنان جوان.
- 9- استفاده از مشاوران انتظامی توانمند در امور مختلف از جمله تخصص‌های روز و قوانین و مقررات جاری و جدید که به‌تازگی مصوب می‌شوند در کنار فرماندهان شهرستان‌ها به‌منظور کنترل مستمر یگان‌های اجرایی بر اساس قوانین و مقررات روز و آشنایی مدیران میانی با این دست از قوانین.
- 10- استفاده از تست‌های روان‌سنجی و شخصیت<sup>1</sup>، به‌منظور کنترل مستمر وضعیت روحی کارکنان انتظامی صفی به‌منظور شناسایی میزان علایق و استعداد‌های کارکنان در زمینه آموزش‌های کاربردی متناسب با وضعیت روحی و روانی آنها.
- 11- تشکیل اتاق فکر در ستادهای فرماندهی انتظامی شهرستان‌ها با استفاده از کارشناسان متخصص در امور فناوری اطلاعات، حقوق، انتظامی و ... که به‌صورت روزانه موظف به جمع‌آوری اطلاعات علمی روز دنیا و تجربی کارکنان شهرستان بوده و نهایتاً در یک فصلنامه مطالب درج و در پایان هر فصل به‌صورت 10 روز با علم روز دنیا، اقدام به برپایی کلاس‌های آموزشی در مراکز آموزش هر شهرستان کنند و به‌منظور ایجاد انگیزه، این اتاق فکر قدرت اجرایی داشته تا با ارائه گردشکار، هدایایی از قبیل ارتقای شغلی و ترفیعاتی، علاقه به یادگیری را افزایش دهند.

12- این اتاق فکر می‌تواند از کاشفان پرونده‌ها و کارآگاهان زبده بخواهد تجربیات خود را مکتوب و برای درج در فصلنامه ارائه کنند و این امر اگر توأم با جوایز باشند می‌توانند به شدت ایجاد انگیزه کنند.

13- برپایی جلسات هم‌اندیشی بین نخبگان شهرستان، اساتید دانشگاه‌ها، مدیران انتظامی و قضات دادگستری راه‌گشای بسیار مناسبی در جهت آموزش‌های غیر مستقیم مدیران خصوصاً مدیران میانی بوده به نحوی که در این ارتباط ضمن آشنایی با نقاط قوت و ضعف عملکرد خود نسبت به دورنمای فعالیت‌شان از دید افراد نخبه و مثبت‌اندیش که عالمانه و تحلیل‌گرایانه اقدام به نظریه‌پردازی می‌کنند را رصد کرده و کاملاً غیر مستقیم با جایگاه پلیس علمی آشنا شده و سطح توقعات جامعه را به‌منظور تراز کردن کفه ترازوی عدالت به‌دست خواهند آورد.

14- مدیریت انتظامی جرم مستلزم شناسایی اقدامات پیش‌گیرانه است که برای این منظور خود افراد پلیس متخصص‌ترین افراد هستند، در حوزه هر کلانتری افسر تجسس یا معاون پیش‌گیری با ارائه اقدامات پیش‌گیرانه‌ایی که منجر به کاهش محسوس جرایم در سطح حوزه خود شده، به دبیرخانه اتاق فکر، انتخاب که وی می‌تواند به‌عنوان افسر برگزیده در فصل معرفی شده و نحوه اقدامات خود را برای سایرین در کارگاه 10 روز با علم روز دنیا تبیین کند.

- احمدوند، علی محمد و همکاران (1385). طرح راهبردی ناجا، معاونت طرح و برنامه ناجا.
- افزاره، عباس (1386). مدیریت دانش (مدل‌ها، مفاهیم، اندازه‌گیری و پیاده‌سازی). تهران: انتشارات دانشگاه صنعتی امیرکبیر.
- ترویپانویچ، رابرت؛ باکوروکس، بانی (1383). پلیس جامعه‌محور. گروه مترجمان، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات کاربردی طرح و برنامه ناجا.
- چراغی، ظفر (1389). ارزشیابی اثربخشی دوره‌های آموزشی تخصصی-تکمیلی ترفیغاتی کارکنان فرماندهی انتظامی تهران بزرگ از دیدگاه کارکنان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم انتظامی امین.
- خومحمدی، سعید (1384). امنیت اجتماعی از دیدگاه قرآن و امام علی(ع). مجموعه مقالات کنکاشی بر جنبه‌های مختلف امنیت عمومی و پلیس، معاونت پژوهش دانشگاه علوم انتظامی.
- روحانی، احمد (1388). پلیس دانش‌محور: راهی نو پیش روی سازمان‌های پلیسی، مدیریت دانش و پلیس، سازمان تحقیقات و مطالعات ناجا، پژوهشکده منابع انسانی.
- رهیده، ابراهیم (1387). ارزشیابی عملکرد دوره‌های تخصصی - تکمیلی در سال 1385 و 1386 در دانشکده اداری و پشتیبانی دانشگاه علوم انتظامی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم انتظامی امین.
- زمانی، علی نقی (1384). بررسی اثربخشی برنامه‌های آموزشی در عملکرد دانشجویان دانشکده پلیس انتظامی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم انتظامی امین.
- زیودار، حمیدرضا (1388). بررسی میزان انطباق دوره‌های تخصصی - تکمیلی درجه‌داران (رسته انتظامی) با مأموریت‌های تخصصی پلیس فرودگاه (با تأکید بر استانداردهای ایکائو)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم انتظامی امین.
- فرجیها، محمد (1389). طرح تدوین برنامه ملی پیش‌گیری از جرم، مرکز تحقیقات کاربردی پلیس پیش‌گیری ناجا.
- قصری، محمد (1388). مقاله مدیریت دانش در نیروی انتظامی؛ تجربه‌ای در مدیریت نظم و امنیت عمومی کشور. مدیریت دانش و پلیس، سازمان تحقیقات و مطالعات ناجا، پژوهشکده منابع انسانی.
- موسوی، سیدمرتضی (1394). تعیین عوامل فردی و سازمانی مؤثر بر ارتقای اثربخشی دوره‌های آموزشی تخصصی - تکمیلی افسران ارشد رسته انتظامی (مورد مطالعه مجتمع آموزشی فاتب). پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم انتظامی امین.

- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (1380). پیش‌گیری از بزه‌کاری و پلیس محلی. مجله امنیت، سال پنجم، شماره 21 و 22
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (1387). مباحثی در علوم جنایی (تقریرات)، ویراست پنجم، به کوشش شهرام ابراهیمی.
- نوروزی، بهرام؛ بارانی، محمد؛ سرکشیکیان، سیدمحمدحسین (1390). پیش‌گیری از جرم از نظریه تا عمل، مرکز تحقیقات کاربردی پلیس پیش‌گیری ناجا.
- Davis, R. C., Henderson, N. J., & Merrick, C. (2003). Community Policing : Variations on the western model in the developing world, Police Practice and research, 2003, Vol. 4, No. 3.
- Dieng, R. & Corby, O. (2008). Methods and tools for knowledge management , Communications of the Association for KM Systems .
- King, W. R. (2005). Communications and information processing as a critical success factor in the effective knowledge organization, International Journal of Business Information Systems.
- Crawford, A. (2007). Crime Prevention and Community Safety, the Oxford Handbook of Criminology, 4th Edition, New York, Oxford University Press.